



جعفری مذهب فاقد هر گونه اطلاعات فنی درباره اجزای ترکیبی چاپخانه خانگی و توضیح چگونگی چاپ است. صرفاً این که یک کسی سه اثر خود را در چاپخانه خانگی چاپ کرده است، آیا اقتضا می‌کند که درباره آن مطلبی نوشته شود؟ در شبه‌قاره مثال‌هایی متعدد داریم که کسانی چاپخانه خانگی داشته‌اند، اما روی جلد کتبی که در چنین چاپخانه‌ها چاپ می‌شده، اظهار نشده است. نوع چاپ در چاپخانه خانگی نیز عادی است، چنان‌که آثار فدایی نیز از لحاظ نوع چاپ، چاپ سنگی عادی است مثل دیگر چاپ‌های بمبئی. جناب جعفری مذهب توضیح نداده‌اند که بین چاپخانه خانگی و چاپخانه شخصی چه فرق است؟ تلقی ایشان از چاپخانه خانگی از لحاظ دستگاه و محل نصب چیست؟

نکته قابل طرح دیگر این است که فدایی اصفهانی سرنویس بوده و نمی‌خواستند از ترکیب یا اصطلاح عربی «مطبعه شخصی» استفاده کند و به جای آن از ترکیب فارسی سره «چاپخانه خانگی» استفاده کرده است که به طبع جناب جعفری مذهب خوش افتاده است. فدایی از همین سره نویسی خود، ناگزیر شد که فرهنگ داستان ترک‌تازان هند بنویسد.

بخشی از یادداشت جناب جعفری مذهب متوجه به نگارنده این سطور و کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره تألیف بنده است. ایشان چند ایراد بر کار من دارند که بنده با احترام تمام، با استفاده از حق پاسخ، عریضی به خدمت ایشان و خوانندگان دارم:

ایراد برجسته ایشان این است که من در کتابشناسی آثار... «چاپخانه خانگی» را به «مطبعه خانگی» برگردانده‌ام (ص ۲۵، ۲۶). خُب! از لحاظ معنی و مفهوم مطبعه و چاپخانه چه

چاپخانه خانگی: چند توضیح

عارف نوشاهی

اداره معارف نوشاهی، اسلام‌آباد
arifnaushahi@gmail.com

در گزارش میراث، ۶۲-۶۳، صفحات ۲۳-۲۷ دوستم جناب محسن جعفری مذهب یادداشتی درباره «چاپخانه خانگی» به چاپ رسانیده‌اند و سه اثر نصرالله خان فدایی اصفهانی، که در چاپخانه شخصی مؤلف طبع شده بود، با این ادعا معرفی کرده‌اند که نگاه ایشان به این آثار بسیار فنی، موزه‌ای و نسخه شناسانه بوده است (ص ۲۷).

راستش من از یادداشت جعفری مذهب پی نبرده‌ام که برای ایشان، «چاپخانه خانگی» و آثار چاپ شده در چنین چاپخانه‌ای، چه اهمیتی و انگیزه‌ای داشته که راجع به این موضوع قلم‌فرسایی فرموده‌اند! زیرا در یادداشت ایشان هیچ توضیحی نیامده که چاپخانه خانگی با چاپخانه غیرخانگی چه امتیازی دارد و کتاب‌هایی که در چاپخانه خانگی چاپ می‌شده، از لحاظ کیفیت و نوع چاپ، با کتبی که در چاپخانه‌های غیرخانگی چاپ می‌شود، چه تفاوت‌هایی دارند؟ یادداشت

هم از کلمه چهار کاخ استفاده کرد (ر.ک: ادامه گفتار).
۲. از میان ۴ جلد، سه جلد چاپ حیدر آباد دکن و یک جلد چاپ بمبئی است. اما مشار کل کتاب را چاپ بمبئی قلمداد کرده است!

۳. توضیح مشار در مورد موضوعات اختصاصی هر جلد کلاً نادرست و ناقص است. خوانندگان می‌توانند با مراجعه به کتابشناسی آثار... ۲۴۷۹ به موضوعات چهار جلد بهتر و دقیق‌تری بریند. جالب است که مشار موضوع جلد ۲ را صرفاً «تاریخ» (!) و موضوع جلد ۴ را «لغت» (!) نوشته است. البته کتابی با نام فرهنگ بر چهار کاخ داستان ترک‌تازان هند موجود است که شمارش جلدی ندارد و جدا از دوره چهار جلدی داستان ترک‌تازان... چاپ شده است (کتابشناسی آثار... ۲۴۷۹).

نقل قول جعفری‌مذهب از مشار که: دیوان فدایی در ۱۳۰۱ق، در ۲ جلد، در ۶۲۰ + ۵۳۹ صفحه، چاپ سربی شده است (ص ۲۴) نیز بی‌دقتی مشار را آشکار می‌کند. درست‌ترین است که این دیوان در ۱۳۱۰ق و در ۲ جلد، در ۴۰۰ + ۳۳۶ صفحه، چاپ سنگی شده است. بر اساس همین اطلاع مشار، جناب جعفری‌مذهب احتمال داده‌اند که بعید نیست دیوان کامل فدایی یک بار چاپ سربی منتشر شده باشد! (ص ۲۴) که البته احتمال باطل است.

خلاصه کلام، اطلاعات مشار در مورد کتب چاپی فارسی شبه‌قاره، اگر نگوئیم صد در صد، نود در صد با خطا و نقص است و از پذیرفتن داده‌های مشار، باید اجتناب کرد.

خود جناب جعفری‌مذهب در یادداشت کوتاه چند صفحه‌ای خود، چند سهو مرتکب شده‌اند. مثلاً: در ص ۲۳ درباره فدایی می‌نویسند که «نویسنده ادعا کرده کتاب را در کتابخانه خانگی خود چاپ کرده است». یعنی چاپخانه خانگی را به کتابخانه خانگی تغییر داده‌اند. ضمناً کاربرد لفظ «ادعا» هم تأمل‌برانگیز است. مگر جناب جعفری‌مذهب درباره اطلاع نویسنده کتاب روی جلد، شک دارند؟ در ص ۲۴ «مؤلفین کتب چاپی...» مشار را با «فهرست کتاب‌های چاپی فارسی» مشار اشتباه گرفته‌اند و به جای ارجاع به «مؤلفین» به «فهرست» ارجاع داده‌اند.

فرق می‌کند؟ ثانیاً برای یک‌دست کردن اصطلاحات گوناگونی که در شبه‌قاره برای چاپخانه به کار می‌رفت (کتابشناسی آثار... ۳۱)، ویراستار کتابشناسی آثار تصمیم گرفت که در سراسر کتاب از اصطلاح «مطبعه» [و کوتاه شده آن «مط.»] استفاده شود (کتابشناسی آثار... ص ۱۹). آیا این کار ایراد دارد؟ «چاپخانه» را به «مطبعه» تغییر دادن از من، برای جناب جعفری‌مذهب شاید این قدر از سربیی ذوقی بوده که ایشان حدود ۲۶ سطر از یادداشت خود را صرف این فرضیه و سپس رد آن کرده‌اند که آیا من کتاب داستان ترک‌تازان هند را شخصاً رؤیت کرده‌ام یا خیر؟ و اگر کتاب را شخصاً دیده بودم چرا به جای چاپخانه خانگی، مطبعه خانگی نوشتم!

ایراد دوم جناب جعفری‌مذهب این است که من چرا در فهرست «اصطلاحات برای چاپخانه» (کتابشناسی آثار... مقدمه، ۳۱)، اصطلاح «چاپخانه خانگی» یا «چاپخانه شخصی» را نیاورده‌ام (ص ۲۶). اگر جناب جعفری‌مذهب مقدمه مرا با دقت خوانده باشند، من برای ضبط اصطلاحات، سه معیار را داشتم که کلمه «خانگی» خارج از آن معیارهاست.

جناب جعفری‌مذهب تلویحاً بر من متعرض شده‌اند (حاشیه ۱، ص ۲۶) که وقتی من بر خانبا با مشار ایراد گرفتم که او در فهرست کتاب‌های چاپی فارسی بعضی موقع‌ها عنوان‌های حقیقی و اصلی کتاب‌ها را تغییر می‌دهد، پس من هم در کتابشناسی آثار... با تغییر دادن کلمه «چاپخانه» به «مطبعه»، سزاوار همین ایرادم. آیا به نظر جناب جعفری‌مذهب تغییر در عنوان اصلی کتاب (که در زمره تحریف و باعث گمراهی است) و تغییر چاپخانه به مطبعه، از یک جنس است؟ ایرادهای من بر مشار اکنون هم وارد است. حتی در نمونه‌ای که جناب جعفری‌مذهب از مشار آورده‌اند و اظهار نظر کرده‌اند که مشار مشخصات داستان ترک‌تازان هند را «دقیق‌تر!» آورده است (ص ۲۴)، کاملاً اشتباه است و انواع اشتباهات مشار در همین چند سطر آشکار است. مثلاً:

۱. مشار تعداد مجلدات داستان... را ۵ جلد نوشته، در حالی که این کتاب در ۴ جلد است. به قول مشار جلد ۵ در تاریخ افغانستان است که چنین چیز وجود خارجی ندارد. یکی از دلایل ۴ جلدی بودن کتاب این است که مؤلف وقتی فرهنگی برای کتاب خود نوشت، برای چهار جلد نوشت و روی جلد